ناگهان شعر

صائب

مدار از دامن شب دست وقت عرض مطلب‌ها
که باشد بادبان کشتی دل دامن شب‌ها
چه محو ناخدا گردیده‌ای، ای از خدا غافل؟
ندارد این سفر باد مرادی غیر یارب‌ها
ز بی دردان علاج درد خود جستن به آن ماند
که خار از پا برون آرد کسی با نیش عقرب‌ها
چنین گر رهزن اطفال خواهد شد جنون من
به اندک فرصتی دربسته خواهد ماند مکتب‌ها
حجاب عشق اگر مانع نگردد می‌توان دیدن
خط نارسته را چون رشته گوهر از آن لب‌ها
ز شوق گوشه چشم تو ای جان جهان تا کی
درین صحرای وحشت توتیا گردند قالب‌ها؟
کسی کز مطلب خود بگذرد حاجت روا گردد
از آن صائب ز خاک اهل حق یابند مطلب‌ها

***

خواجوی کرمانی

مگذار ای یار و درین واقعه مگذار مرا
چون شدم صید تو بر گیر و نگهدار مرا
اگرم زار کشی می کش و بیزار مشو
زاری‌ام بین و ازین بیش میازار مرا
چون در افتاده‌ام از پای و ندارم سر خویش
دست من گیر و دل خسته به دست آر مرا
بی گل روی تو بس خار که در پای من است
کیست کز پای برون آورد این خار مرا
بر وای بلبل شوریده که بی گلروئی
نکشد گوشه خاطر سوی گلزار مرا
هر که خواهد که به یک جرعه مرا دریابد
گو طلب کن به در خانه خمار مرا
تا شوم فاش به دیوانگی و سرمستی
مست و آشفته برآرید به بازار مرا
چند پندم دهی ای زاهد و وعظم گویی
دلق و تسبیح تو را خرقه و زنار مرا
ز آستانم ز چه بیرون فکنی چون خواجو
خاک را هم ز سرم بگذر و بگذار مرا

غلط‌ننویسیم

لشکر/لشگر

املای درست این واژه «لشکر» است و نباید آن را به صورت لشگر بنویسیم.

متفاوت بودن از

«متفاوت بودن»، «تفاوت داشتن» و «فرق داشتن» در زبان فارسی با حرف اضافه «با» به کار می‌رود. به کار بردن آن‌ها با حرف اضافه «از» بر اثر گرته‌برداری از زبان انگلیسی است. در زبان معیار باید از به کار بردن این ترکیب‌های فعلی با حرف اضافه «از» پرهیز کنیم.

گرفتن

به کار بردن این واژه در معنی «درک کردن، فهمیدن، متوجه شدن و ...» بر اثر گرته‌برداری از زبان انگلیسی است. در زبان معیار بهتر است از این نوع کاربرد پرهیز کنیم:

نمونه غیرمعیار: مطلب را اگر فتم لازم نیست دیگر توضیح بدهید.
نمونه معیار: مطلب را فهمیدم لازم نیست دیگر توضیح بدهید.

برگرفته از کتاب فرهنگ سخن
تالیف استاد حسن انوری

بلای نصیحت کردن به جای قصه گفتن!

گفت‌وگوی خراسان با حمزه خوشبخت، جوان قصه‌گویی که تنها با یک کوله پشتی به سراسر ایران سفر می‌کند و نگاه آسیب‌شناسانه به ادبیات حوزه کودک و نوجوان دارد

محمد بهبودی نیا
calture@khorasannews.com

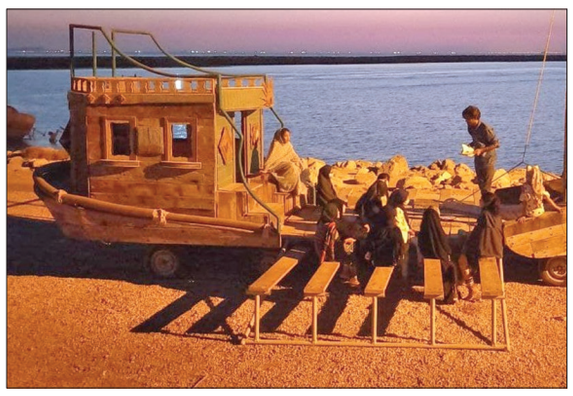

ماجرای سفرها و کوله‌پشتی‌اش که پرشده از کتاب‌های قصه، مثل قصه‌هایش شنیدنی است. حمزه خوشبخت، قصه‌گویی است جوان و متولد سال ۱۳۶۹ در بندرعباس. او با کوله‌پشتی و قصه‌هایش تاامروز به بیش از صد شهر و روستا سفر کرده‌است. برایش فرقی نمی‌کند کودکان جردن در تهران، پای قصه‌گویی‌اش بنشینند یا بچه‌های جزیره هرمز. ماجرای این زندگی پرهیجان از جایی شروع شد که او به یکی از روستاهای جیرفت رفته بود. همان جا به این نتیجه رسید که تعداد زیادی کتاب قصه خوب وجود دارد که بچه‌های نقاط مختلف ایران نه خوانده و نه شنیده‌اند. همین جرقه کوچک، کافی بود تا او تصمیمش را بگیرد و کوله‌پشتی‌اش را بردارد و بزند به دل جاده تا برای بچه‌های ایران قصه بگوید. وقتی با حمزه خوشبخت هم کلام می‌شوی، او حتی در پاسخ به سؤال‌ها سعی می‌کند روایت‌هایش را با شیرینی هنر قصه‌گویی همراه کند و به‌صورت غیرمستقیم پاسخ سؤال‌ها را بدهد. گفت‌وگوی ما با این قصه‌گوی جوان را در ادامه می‌خوانید.

■ **قصه و قصه‌گویی از چه زمانی به‌وجود آمدند؟**

قصه، بیان آمال و آرزوهای بشر است؛ درنتیجه از زمانی که انسان بوده قصه هم وجود داشته است. هنر قصه‌گویی هم پابه‌پای قصه‌ها از گذشته‌های دور تکامل پیدا کرده و به روزگار ما رسیده است. رد پای قصه‌گویی را می‌توان در «گیلگمش» و «اوستا» و تعداد زیادی از متون تاریخی یافت؛ اما این هنر در شاهنامه شکل بهتری پیدا می‌کند و در ادامه به امیرارسلان نامدار می‌رسیم که همه این‌ها در قالب ادبیات فرهنگ عامه رواج داشته‌اند. صادق هدایت و دهخدا اولین نویسنده‌هایی بودند که قصه‌های فرهنگ مردم را که تا آن زمان سینه‌به‌سینه نقل می‌شدند، جمع‌آوری کردند. البته این نکته مهم را باید بگویم که اساساً قصه، نویسنده‌ای ندارد و سینه‌به‌سینه نقل می‌شود.

■ **وضعیت قصه‌گویی امروز را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

وقتی قصه‌ها به روزگار ما می‌رسند هم قصه و هم قصه‌گویی متحول می‌شود و این تحول از قضا آسیب‌هایی به همراه دارد که بیان آن‌ها به درازا می‌کشد. برای حل بسیاری از مشکلات قصه‌گویی باید این سؤال را مطرح کنیم که بعد از نقالی، روحوضی و سیاه‌بازی، امروز ما در قصه‌گویی کجا ایستاده‌ایم؟ درباره دلایل ماندگار نبودن بسیاری از قصه‌های امروز در ذهن کودکان هم باید دوباره به سراغ قصه‌های فولکلور برویم و نقاط قوت آن‌ها را بررسی کنیم. درواقع علت بقای قصه‌های فولکلور این است که این قصه‌ها بیان آرزوهای انسان‌های آن زمان بودند. وقتی با دقت به قصه‌های فولکلور توجه کنیم، می‌بینیم در هر نقطه‌ای از این سرزمین در قصه‌ها انسان زیرکی داریم که به‌جای مردم، صحبت و آمال و آرزوهای آن‌ها را روایت می‌کند؛ اما در روزگار ما علاوه بر سطحی‌نگری و بیان زندگی روزمره و مستقیم گویی، برخی نویسندگان، متوجه تحولات کودکان امروز نیستند و با ساده‌انگاری درباره ادبیات حوزه کودکان به سراغ قصه‌نویسی می‌روند.

■ **چه عواملی بلای جان قصه و قصه‌گویی امروز شده است؟**

یکی از مواردی که باعث شده قصه‌های امروزی دچار رکود شود، جشنواره‌های موضوعی است. وقتی یک نویسنده دایم نگاهش به جشنواره‌ها باشد و با موضوعاتی که برایش تعیین می‌شود، قصه بنویسد بی‌تردید زمانی برای نویسندگی خلاق باقی نمی‌ماند. امروز، کمتر نویسنده‌ای است که مانند احمدرضا احمدی نوشتن رؤیاهای ما را به عهده گرفته باشد. احمد اکبرپور، سوسن طاقدیس، حدیث لرز غلامی و افرادی از این دست نیز قصه‌های درخور تأملی نوشته‌اند و هنوز رویاهای ما و کودکانمان را می‌نویسند. نویسندگان کودک و نوجوان امروز، در بسیاری از موارد به‌جای نوشتن قصه وارد فضای نصیحت می‌شوند. آن‌ها حتی بدون این که کوچک‌ترین آرزوها و خواسته‌های کودکان امروز را بشناسند شروع به نوشتن قصه می‌کنند.

> برای قصه گفتن نباید منتظر مصوبات و جلسات مسئولان کشور ماند بلکه باید به صورت خودجوش به سراغ قصه گویی برویم. من به‌عنوان یک قصه گو نه بلند گو می‌خواهم، نه سالن، نه صندلی و نه هیچ امکانات دیگری. اگر همه فضاها را از من بگیرند من کف خیابان می‌نشینم و برای بچه‌ها قصه می‌گویم. کسی که نمی‌تواند خیابان را از من بگیرد. می‌تواند؟

■ **ویژگی‌های یک قصه‌گوی خوب چیست؟**

نویسندگان و قصه‌گوها در ابتدا باید سه سؤال را از خود بپرسند، چه کسی می‌گوید؟ چرا می‌گوید؟ به چه کسی می‌گوید؟ و همچنین به این نکته توجه کنند که آن‌ها قصه‌گو و قصه‌نویس هستند نه راهنمای انسان‌ها و معلمان اخلاق. درواقع، نویسنده و قصه‌گو وظیفه‌ای جز انتقال عشق و محبت به کودکان ندارند. من، قصه‌گو هستم و تفاوتم با معلم این است که معلم باید مطمئن شود که بچه‌ها موارد دی را که آموزش می‌دهد، فهمیده‌اند اما قصه‌گو چنین وظیفه‌ای ندارد که به‌طور مستقیم وارد پرسش و پاسخ از بچه‌ها شود، او قصه را روایت می‌کند و می‌گذرد. دومین موضوع که قصه‌گو و نویسنده کودک باید به آن توجه کند این است که دایم در ذهنش سؤالاتی از خودش مطرح کند. سؤالاتی مانند این که چرا این قصه را می‌گوییم؟ چرا این قصه را می‌نویسیم؟ در این موقعیت تاریخی و این روستا، این شهر، این کشور و این جغرافیا باید کدام قصه را بگوییم؟ «تئودور گیزل» با نام مستعار دکتر زئوس، داستانی به نام «گربه با کلاه» دارد که این گربه، کنار بچه‌ها می‌آید و سعی می‌کند شرایطی را به وجود آورد که بچه‌ها یک ساعت در آرامش، زیست کنند. کنار بچه‌ها بودن با این نوع نگرش، تحولی است که این نویسنده ایجاد می‌کند. از طرفی قصه‌گویی عصاره بسیاری از هنرهاست. شاید تنها هنر نزدیک به قصه‌گویی، هنر «پرفورمنس آرت» باشد که به هنر لحظه معروف است و تئاتر، آواز، فن بیان و... در آن نهفته است. البته اگر فردی تمام آموزش‌های قصه‌گویی جهان را ببیند ولی دو خصوصیت را نداشته باشد با شکست مواجه می‌شود و آن دو خصوصیت صداقت و عشق است به این معنی که قصه‌گو، قصه‌ای را که زندگی نکرده، نباید بگوید. ما باید عاشق بچه‌ها و قصه‌گویی باشیم و برای آن‌ها جانمان را کف دستمان بگذاریم.

■ **درباره پیشرفت فناوری و آسیب‌های کم‌رنگ شدن قصه‌گویی در خانواده‌ها توضیح دهید.**

در این که با پیشرفت فناوری بسیاری از هنرها از جمله هنر قصه‌گویی کم‌رنگ شده شکی نیست. درباره تأثیرات منفی فناوری بر کم‌رنگ شدن قصه‌گویی و بر ارتباطات چهره به چهره مادر و فرزندی و ارتباطات خانوادگی هم شکی نداریم؛ اما باید این سؤال را از خودمان بپرسیم ما برای رقابت با پیشرفت فناوری و ایجاد تحول در قصه‌نویسی و قصه‌گویی چه کار کرده‌ایم؟ اتفاقاً من فضای مجازی را پلی برای رفتن به سمت زندگی واقعی می‌دانم البته اگر خانواده‌ها از آن، درست استفاده کنند. خانواده‌ها به‌جای سرگرم کردن کودکان‌شان با تلفن همراه و... فقط لازم است روزی نیم ساعت به بازی و قصه‌گویی با کودکان‌شان بپردازند. باید به این نکته هم اشاره کنم که خارج از محیط خانواده در مهدهای کودک هم باید سازوکارها تغییراتی داشته باشند چون شرایط مهدهای کودک هم در این موضوع چندان بسامان نیست. به‌عنوان مثال موسیقی‌هایی که در بعضی مهدهای کودک استفاده می‌شود به معنی واقعی کلمه هیچ ارتباطی با جهان کودک ندارد و حتی اگر یک گام فراتر برویم، می‌توانم بگویم شرم‌آور است.

■ **برای پیشرفت هنر قصه‌گویی باید چه کار کنیم؟**

برای پیشرفت قصه‌گویی با توجه به معیارهایی که پیش از این گفتم قصه‌گوها باید کوچه به کوچه دنبال بچه‌ها بگردند و برایشان قصه بگویند و قصه بگویند و قصه بگویند، چون با زیاد قصه گفتن است که قصه‌گو پیشرفت می‌کند. برای قصه گفتن نباید منتظر مصوبات و جلسات مسئولان کشور ماند بلکه باید به صورت خودجوش به سراغ قصه گویی برویم. من به‌عنوان یک قصه‌گو نه بلندگو می‌خواهم، نه سالن، نه صندلی و نه هیچ امکانات دیگری. اگر همه فضاها را از من بگیرند من کف خیابان می‌نشینم و برای بچه‌ها قصه می‌گویم. کسی که نمی‌تواند خیابان را از من بگیرد. می‌تواند؟ این را با تمام وجود می‌گویم که امروز باید از عمق جان، ضرورت قصه‌گویی را درک کنیم و به هر جان کندنی که هست نفس قصه باید حفظ شود. این همه قصه‌گو در ایران داریم که در جشنواره‌ها و کانون‌های پرورش فکری و محل‌های مختلف فعالیت می‌کنند، اگر هر کدام از آن‌ها راه بیفتند و در محله‌ها، شهرها و روستاها قصه بگویند با تحولی بزرگ روبه‌رو می‌شویم. سؤال من از قصه‌گوهای محترمی که هر سال در جشنواره‌ها حضور پیدا می‌کنند و در هر شهر حداقل عددی حدود صد نفر هستند این است که دوستان! از زمان پایان یافتن جشنواره تا مسابقه سال بعد، کجا هستید؟!

ادبی هنری

انتشار اشعار بهاءالدین خرمشاهی

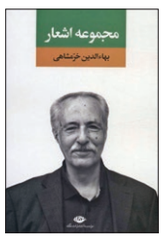

مجموعه اشعار بهاءالدین خرمشاهی، شاعر، پژوهشگر و منتقد ادبی برجسته کشور منتشر شد. به گزارش خراسان، مجموعه شعر «چقدر آسمان دارم» شامل شعرهای خرمشاهی از ۱۷ سالگی تا امروز است که با مضامین آیینی، عرفانی، طنز، اخوانیات، نقیضه‌های خیام‌نیشابوری و... در قالب‌های قطعه، غزل، مثنوی، نیمایی و شاملویی سروده شده است.

مرادی کرمانی نامزد جایزه «هانس کریستین اندرسون»

مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان، هوشنگ مرادی کرمانی را به‌عنوان نامزد جایزه «هانس کریستین اندرسون» (آلما) معرفی کرد. به گزارش ایرنا، مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان امسال نیز همانند سال‌های گذشته هوشنگ مرادی کرمانی نویسنده محبوب چند نسل از کودکان ایران را نامزدی شایسته برای دریافت جایزه آستریدلیندگرن تشخیص داده و او را به هیئت داوران این جایزه معرفی کرده است. امسال برای هشتمین سال پیاپی، برنامه «با من بخوان» نیز نامزد دریافت جایزه «هانس کریستین اندرسون» (آلما) شده است. «با من بخوان» برنامه‌ای برای ترویج کتاب‌خوانی برای همه کودکان به‌ویژه کودکان محروم و در بحران است.

حراج یک مجسمه کمیاب

مجسمه کمیاب بودای چینی که در خانه یک خانواده فرانسوی پیدا شد و بخشی از یک مجموعه احتمالاً گم‌شده است، قرار است در پاریس به حراج گذاشته شود. به گزارش ایسنا به نقل از رویترز، بنا به گفته خانه حراج «بونهامز»، این قطعه، یک مجسمه چوبی بسیار کمیاب و یک اثر مذهبی بودایی است که در قرن ۱۲ تا ۱۳ میلادی در زمان سلسله «جین» ساخته شده و پیش‌بینی می‌شود در حراجی امروز ۱۳ ژوئن در پاریس به قیمت یک میلیون یورو (۱/۱ میلیون دلار) به فروش برسد.

مسجدی با شعر فارسی در روسیه

عضو هیئت علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری از شناسایی کتیبه‌ای با شعر فارسی در محراب مسجدی در شهر دربند روسیه خبر داد. رضوان فر درباره کتیبه‌ای مزین به شعر فارسی که در محراب «کلیسا- مسجد» در شهر دربند روسیه نگاشته شده است، به ایسنا گفت: این مسجد اکنون به دو نام «کلیسا- مسجد» و مسجد «توبه» معروف بوده و از مهم‌ترین خصوصیات آن، استفاده از شعر فارسی در محراب آن است. شعر محراب مسجد توبه، از «سوزنی سمرقندی» شاعر ایرانی قرن ششم و به این شرح است: «چار چیز آورده‌ام یارب (شاها) که در گنج تو نیست / نیستی و حاجت و عذر و گناه آورده‌ام».

برادر گرامی جناب آقای حجت اله جانی

با کمال مسرت انتصاب شایسته جنابعالی را به عنوان **سرپرست اداره صنعت، معدن و تجارت شهرستان قاینات** که نشان از تعهد، توانمندی و تجارب ارزنده حضرتعالی می باشد را صمیمانه تبریک گفته موفقیت و سربلندی شما را در امر خدمت به مردم قدرشناس قاینات خاصه جامعه بزرگ اصناف از درگاه ایزدمنان خواستاریم. ضمنا از خدمات ارزشمند چندین ساله جناب آقای مهندس شاهین تشکر و قدردانی می شود.

مدیرعامل و هیئت مدیره شرکت تعاونی اصناف قهستان شهرستان قاینات

۱۴۰۲۰۹۳۹۹/ج

شناسه آگهی: ۱۵۱۰۹۰۵

آگهی مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی فشرده –نوبت اول

شهرداری بیرجند در نظر دارد نسبت به برگزاری مناقصه ای به شرح جدول ذیل اقدام نماید.

شماره فراخوان	موضوع	نوع تضمین و مبلغ(ریال)	مدت قرارداد	شرایط پیمانکار(حقوقی)
۲۰۰۲۰۰۵۳۶۱۰۰۰۰۰۷	ارائه خدمات جابجائی مسافران درون شهری و حومه شهر بیرجند با استفاده از ۲۵ دستگاه اتوبوس ملکی متعلق به سازمان مدیریت حمل و نقل بار و مسافر شهرداری بیرجند در چارچوب شرایط و شرح خدمات مندرج در اسناد مناقصه به صورت حجمی	ضمانتنامه معتبر به مبلغ ۹/۷۳۴/۰۰۰/۰۰۰ریال طبق نمونه‌های مندرج در اسناد مناقصه	دو ساله با قابلیت تمدید یک سال دیگر منوط به رضایت از عملکرد پیمانکار	کلیه متقاضیان حقوقی که دارای پروانه معتبر رتبه‌بندی از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در زمینه ایاب و ذهاب و با ظرفیت مجاز می‌توانند درمناقصه مذکور شرکت نمایند.

۱. **محل تأمین اعتبار:** اعتبارات داخلی شهرداری بیرجند
۲. **کلیه فرایند مناقصه از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی** www.setadiran.ir **برگزار می گردد.**
۳. **مهلت و محل دریافت اسناد مناقصه:** پیشنهاد دهندگان می توانند اسناد مناقصه را از تاریخ ۱۴۰۲/۰۳/۲۲ تا ساعت ۱۹:۰۰ مورخ ۱۴۰۲/۰۳/۲۵ از طریق سامانه ستاد به نشانی www.setadiran.ir دریافت نمایند.
۴. **مهلت بارگزاری اسناد در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت:** تا ساعت ۱۳:۰۰ مورخ ۱۴۰۲/۰۴/۰۵
۵. **زمان گشایش و قرائت پیشنهادها:** ساعت ۱۲:۰۰ مورخ ۱۴۰۲/۰۴/۰۶می باشد.
۶. **نشانی مناقصه گذار:** خراسان جنوبی – بیرجند - میدان ابوذر– شهرداری مرکزی -تلفن ۰۵۶۳۱۸۳۰۱۰۲
۷. **مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی در سامانه مذکور، میبایست مراحل ثبت نام و دریافت گواهی جهت شرکت در مناقصه را محقق سازند.**

مهدی بهترین
شهردار بیرجند

۱۴۰۲۰۹۳۵۶/

فروش شگفت‌انگیز بلیت کنسرت قربانی

بلیت چهار روز اول کنسرت علیرضا قربانی در تهران پس از گذشت کمتر از ۲ ساعت از آغاز بلیت‌فروشی تمام شد. کنسرت علیرضا قربانی خواننده موسیقی سنتی قرار است پس از چهار سال از سه‌شنبه تا جمعه (۲۳ تا ۲۶ خرداد) ساعت ۲۱ در مجموعه فرهنگی تاریخی سعدآباد برگزار شود. همه بلیت‌های چهار روز اول این کنسرت‌ها روز یک شنبه ۲۱ خرداد پس از گذشت کمتر از ۲ ساعت از آغاز بلیت‌فروشی خریداری شد.

پورناظری و قمصری «در هوای بی‌چگونگی»

سهراب پورناظری و علی قمصری قصد دارند کنسرت مشترکی با نام «در هوای بی چگونگی» در مجموعه فرهنگی تاریخی سعدآباد به صحنه ببرند. به گزارش ایرنا، «در هوای بی چگونگی»، روز سه‌شنبه ۳۰ خرداد ۱۴۰۲ در محوطه باز کاخ سعدآباد روی صحنه می‌رود. کنسرت مشترک این دو هنرمند بر دونوازی متمرکز است و در بخش‌های مختلف، نوازندگان دیگری به اجرا اضافه می‌شوند.